

واکاو

لرد کرزن و سیاست مستعمره‌سازی ایران

لرد جرج ناتانیل کرزن از جمله سیاستمداران و مستشرقانی است که تا مقام وزارت امور خارجه انگلستان نیز ارتقا یافت و لقب لرد نیز به او داده شد. نگاه ویژه وی به شرق سبب نگارش کتبی در این حوزه نیز شد که شاید آنچه در این میان اهمیت بیشتری داشته باشد، کتابی از وی با عنوان ایران و قضیه ایران است. کرزن به واسطه یک مسأله دیگر نیز در میان ایرانیان شناخته شده یا شاید بتوان عنوان کرد که منظور است. براساس اسناد تاریخی لرد کرزن نقش اساسی را در وزارت خارجه انگلستان در زمینه پافشاری بر انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ میان ایران و انگلستان داشته و در این زمینه نام وی در تاریخ ثبت شده است.

چهارگانه‌ی پیشه‌ی لرد کرزن پیش از حضور وی در مناصب رسمی انگلستان بود و از خلال این چهارگانه‌ی‌ها مقالات متعددی به نام وی در روزنامه تایمز لندن به چاپ رسیده است که بعدها مبنای تالیف چند کتاب وی نیز شد. حضور در مجلس اعیان انگلستان از دیگر مناصبی بود که کرزن آن را تجربه کرد و سرانجام این سیاستمدار بریتانیایی در بیستم مارس ۱۹۲۵ بر اثر بیماری در ۶۶سالگی در گذشت. در مجموع باید عنوان کرد کرزن از جمله شخصیت‌هایی است که چهره وی در هاله‌ای از ابهام در ایران باقی مانده است.

■ **ایران در آینه اندیشه کرزن**

جالب است که نخستین سفر کرزن به ایران در قامت خبرنگار و ژورنالیست رقم خورد؛ کرزن خود معتقد استست ایران از جمله کشورهای است که منابع اطلاعاتی انگلستان دربار آن بسیار اندک است و همین مسأله است که ضرورت سفر وی به ایران را از نگاه خودش دوچندان می‌کند. وی پس از سیاحت بخشی از قفقاز و استانبول و مناطقی از ترکمنستان از راه عشق آباد وارد خراسان شد و پس از بازدید و سیاحت از چند شهر آن ایالت، راهی تهران شد و ی نوانست همراه نمایندگان انگلیس با سیاستمداران ایران در یکی از آیین‌های سلام رسمی «ناصرالدین شاه» قاجار در کاخ گلستان حضور یابد. پس از مدت گه‌گاه توقفش در ایران، اطلاعات مورد نظرش را گردآوری کرد و پس از بازگشت به کشورش و تکمیل اطلاعات از سایر مناطق ایران از خودش، به تدوین نام‌آورترین اثرش به نام «ایران و قضیه ایران» در دو جلد پرداخت. این سفر دستاورد مهم دیگری هم برای کرزن و هم برای دستگاه سیاستگذاری خارجی بریتانیا داشت و آن هم این بود که باید تا جایی که امکان پذیر است زمینه سلطه انگلستان را در ایران فراهم کرد و از این طریق نفوذ روسیه را در این زمینه از میان برد. برای کرزن ایران یک شاهراه ارتباطی بود که انگلستان باید بر آن مسلط می‌شد.

■ **اجرای کردن ایده‌ها**

کرزن بی‌پله‌به‌مراتب ترقی را در دستگاه سیاست خارجی انگلستان طی کرد. تفاوت سفر اول وی به ایران با سفر دومش این بود که اگر می‌بار اول صرفاً مشاهده‌گر و رویانگر واقعی بود که در ایران رخ می‌داد این بار وی در مقام سیاستگذار به ایران سفر می‌کرد و فرضی دست داده بود تا اندیشه‌ای در باب شرق به‌صورت عام و ایران به صورت خاص را اجرایی کند. سفر دوم کرزن به ایران با واقعه دیگری نیز هم‌زمان شده بود و آن این بود که روس‌ها نیز درصدد بودند تا گستره نفوذ خود را به ویژه در مناطق جنوبی ایران افزایش دهند. روس‌ها در این برهه به‌دلیل آنکه مظفرالدین‌شاه را عرق در قرض‌های خود کرده بودند فعالیت کنسولگری‌شان در پوشهر دوچندان شده بود. علاوه بر این زمزمه‌هایی در برهه حضور کرزن شکل گرفته بود که مظفرالدین شاه قصد دارد به‌دلیل استقراض‌های فراوانی که از روس‌ها کرده است احداث راه‌آهن سراسری ایران تا خلیج‌فارس را به روس‌ها واگذارد کند. کرزن اما در مقام یکی از سیاستگذاران بلندپایه انگلیسی به ایران برای بار دوم سفر کرده بود تااز «کلیدباز گاتی انگلیسی‌ها در هندوستان» محافظت کند.

کرزن البته در این سفر و در راستای عملیاتی کردن منویات دولت انگلستان سدد نفوذ روس‌ها را فقط در ایران مسدود نکرد، بلکه کوشید حلقه‌ای در اطراف ایران تشکیل دهد و به همین دلیل براساس اسناد تاریخی بافلاصله به کشورهای عربی اطراف ایران نیز سفر کرد و قراردادهای متعددی مبنی بر همکاری با شیوخ منطقه منعقد کرد و و آنان را نیز رسماً جیره‌خوار انگلستان کرد. این سیاست پیداه‌سازی‌شده از سوی کرزن بعدها تأثیر خود را در سیاست خارجه انگلستان گذاشت.

■ **کرزن؛ پرچمدار سلطه مطلق بر ایران**

در میان سیاستمداران انگلیسی شاید معدود افرادی را مانند کرزن بتوان یافت که معتقد بودند باید تحت هر شرایطی سلطه مطلق انگلستان بر ایران حفظ شود و حتی گسترش یابد. نمونه این مسأله را می‌توان در جزئیات پس از جنگ جهانی اول و وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه مشاهده کرد. پس از این جزئیات کرزن همچنان معتقد بود که نباید ایران خارج از کنترل روس‌ها بیفتد و این مسأله ممکن است مشکلاتی را برای روس‌ها در برهه سلطه روس‌ها بر ایران را با وجود شکست‌های آنها فراهم کند. البته گروهی از سیاستمداران انگلیسی نیز معتقد بودند حال که روس‌ها از ایران خارج شده‌اند بهترین فرصت است تا هنرینه‌های متعددی بی‌پایان صورت‌گرفته در ایران پایان یابید و انگلیس نیز از ایران خارج شود.

■ **کرزن و مسأله قرارداد ۱۹۱۹**

اوج فعالیت استعماری کـرزن در باب ایران را باید در قضیه قرارداد ۱۹۱۹ میان وثوق‌الدوله و سرریسسی کاکس جست‌وجو کرد. انتصاب لرد کرزن به وزارت امور خارجه انگلیس در این میان تحولی اساسی بود تا وی تمام ایده‌هایی را که دربارۀ ایران داشت، پیاده‌سازی کند. کرزن که قبل از این به کمیته ایران -شعبه‌ای از کمیته وزارت امور خارجه انگلیس- دستنور داده بود سیاست جدید انگلیس در ایران را تدوین کند، اکنون فرصت ایده‌آلی یافته بود تا سیاست مستعمر سازی ایران را عملی کند. کرزن در این برهه براساس سیاست مصوب دستگاه سیاست خارجی انگلستان به دنبال این بود که روش و نظام مستشاری را جایگزین قیمومیت مستقیم انگلستان بر ایران کند؛ زیرا عملاً در این زمان انگلستان نمی‌توانست به‌صورت مستقیم بر ایران سلطه داشته باشد. مذاکرات میان انگلستان و وثوق‌الدوله البته به‌صورت محرمانه دنبال شد. در تمام این مذاکرات که کرزن به صورت مستقیم بر آن نظارت داشت، ایجاد نظام مستشاری کامل انگلستان در ایران به‌عنوان یک هدف اصلی از سوی مذاکره‌کنندگان دنبال می‌شد. مذاکره‌کنندگان انگلیسی از فترت میان مجلس سوم و چهارم ایران نهایت استفاده را بردند و مذاکرات را در منطقه‌ای به نام پس‌قلعه که فرسخ‌ها با مرکز شهر تهران دور بود دنبال کردند تا از این طریق رسانه‌ها و مطبوعات بویی از مذاکرات نیز ندر قرارداد ۱۹۱۹ مظفر انگلیسی‌ها و لرد کرزن ایران را تبدیل به سایه و بدلی از دولت انگلستان می‌کرد که در تمام امور اقتصادی و مالی کاملاً تحت سلطه انگلستان بودند.

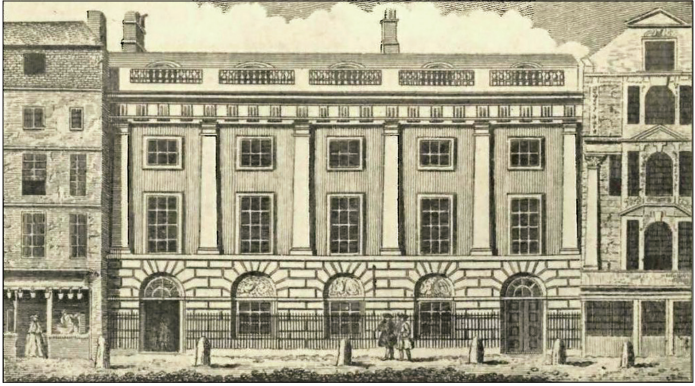
محمداسماعیل شیخانی

تاریخ و اقتصاد

گروه تاریخ: ۳۴۰–۶۲۷۱

پیامدهای اقتصادی واجتماعی دخالت کمپانی هند شرقی در امور هند بابری

قانون «سکونت دائمی»



داشت و نظام طبقاتی سنتی شبهه قاره را به‌طور جدی به چالش کشید:

سبک غربی بر خوردار شدند؛ به این ترتیب که دست رعایا از زمین‌هایی که اجدادشان صدها سال روی آنها کشاورزی کرده بودند، کوتاه ماند؛ در حالی که زمین‌داران پیش از این به‌طور سنتی صرفاً درآمد وام‌دهندگان هندی‌نویس تجارت و اقتصاد هندوستان را به‌رغم سرکوب منظم غیرمسلمانان در دوره پادشاهی اورنگ‌زیب بابر در نیمه دوم سده هفدهم، به دست داشتند و بر تشکیلات مالی بایران نفوذ چشمگیری اعمال می‌کردند. به این ترتیب آنها در این دوره سنتون فقرات جامعه هند از جنبه اقتصادی بشمار می‌آمدند. درعین حال، گروه‌های قومی و دینی غیرمسلمانی مانند راجپوت‌ها، جات‌ها، مارا‌تها و سبک‌ها که پس از آغاز دوران ضعف پادشاهان بابری در حدود نیمه اول سده هجدهم امیرنشین‌های مستقل تشکیل دادند، الگوی تشکیلات اداری بایران را تصلین خود قرار داده و از حضور مسلمانان بااستعداد در ساختار حلقه سخت قدرت استقبال کردند. پیامد مهم این اقدام آن بود که توازن اقتصادی در همه مناطق مسلمان‌نشین شبه‌قاره دست‌نخورده باقی ماند.

اما این وضعیت چند دهه بیشتر ادامه نیافت. بریتانیا تحت پوشش «تجارت آزاد» در سده شانزدهم و سپس با تاسیس کمپانی هند شرقی بریتانیا، ترساک سال ۱۶۰۰ یا به قولی ۱۶۰۲ م باهدف پهلای استعمار هند در پوشش تجارت با بایرسان در اوج قدرت آن‌ها، فعالیت تجاری خود را در شبه‌قاره آغاز کرد. کارخانه‌های بریتانیایی در سورات به سال ۱۶۱۲ م، در مدرس در ۱۶۴۰ م، در بمبئی (مومبای امروزی) در ۱۶۷۴ م، و در کلکته در ۱۶۹۰ م تاسیس شد. این مراکز اقتصادی پارچه‌بندی‌های ایران برشمی هندی، کارخانه نخ‌ریسی، ایرشم خام، نیرتات پتاسیم، نیل و ادویه هندی را صادر و شمش‌تقر و دیگر فلزات را وارد می‌کردند.

با قدرت گرفتن تدریجی کمپانی هند شرقی و تبدیل آن به یک حکومت محلی مستقل و سپس غلبه نیروهای بریتانیایی تحت فرمان کمپانی بر دشمنان فرانسوی خود و شکست دادن نواب‌نگار در شرق هند در دو نبرد خونین پالاسی (Plassy) و بکسار (Baksar) در سال‌های ۱۷۵۷ م و ۱۷۶۴ م. وارن هستینگز (Warren Hastings) –حکمران بریتانیایی ایالت بنگال که از ۱۷۷۴ تا ۱۷۸۴ م. اولین فرماندار کل هندوستان شد. –مسئولیت کارخانه‌های کمپانی در مدرس و بمبئی را در سال ۱۷۷۱ م.بر عهده گرفت. او چندی بعد، چندین کارخانه تحت تملک خود را در قالب یک حکومت یکپارچه مشکل ساخت که نتواند آغاز سلطه بریتانیا بر سراسر هند بود.

■ **قانون «سکونت دائمی» و پیامدهای آن**

بریتانیایی‌ها با هدف محکم جـای پای خود در بنگال و سپس در کل شبه‌قاره، طرحی با عنوان «تدبیر قانونی در آمزای» را بین سال‌های ۱۷۷۲ و ۱۷۹۰ م. در ایالت بنگال به اجرا درآوردند. این طرح ضربات مبرکباری به اقتصاد کشاورزی محور بنگال وارد کرد و به‌ویژه مسلمانان را در موقعیتی پایین‌تر نسبت به هندوها در ساختار اجتماعی و اداری آن ایالت قرار داد. هستینگز در سال ۱۷۸۴ م. زیر فشار حقوقدانان و سیاستمداران بریتانیایی که او را به در پیش گرفتن رفتارهای ظالمانه با هندی‌ها، تعدی به آنها و سوءاستفاده گسترده مالی متهم می‌کردند، ناچار به استعفا و بازگشت به بریتانیا شد. اما شرایط هند پس از اوبیش از پیش رو به وخامت نهاد. مجلس عوام بریتانیا در سال ۱۷۸۴ م. با تصویب قانونی مقرر کرد که از آن پس، همه فعالیت‌های تجاری و اداری در هندوستان از یکدیگر تفکیک شوند و مقامات کمپانی هند شرقی نیز هنگام حضور در شبه‌قاره در برابر مجلس بریتانیا مسوول و پاسخگو باشند.

پس از آن، قانون «سکونت دائمی» یا «توافق نهایی» در سال ۱۷۹۳ م. به دستور ویلیام پیست (William Pitt)، نخست‌وزیر وقت بریتانیا و به وسیله لرد چارلز کورنوالیس (Charles Cornwallis) به اجرا در آمد. بریتانیایی‌ها در دوران حکمرانی کورن‌والیس (۱۷۹۳–۱۷۹۶ م.) بسر بنگال برای असور مالیاتی و قضایی آن ایالت نظام جدیدی وضع کردند و ضمن ایجاد مالیات کمپانی، مالیات‌های روستاییان را در سال ۱۷۹۳ م. به میزان ثابت تعیین کردند. دیری نپایید که سلطه بریتانیا از بنگال به سایر نقاط هند گسترش یافت و در حالی که بریتانیایی‌ها به‌ظاهر پادشاهان بابری را همچنان حاکم هندوستان و سرور خود می‌دانستند، با برداری و به شکل مستمر برای تشکیل یک امپراتوری تازه هندی تحت نظارت کمپانی هند شرقی تلاش می‌کردند. قانون «سکونت دائمی» پیامدهای منفی مختلفی برای اقتصاد بنگال و کل هند به همراه

سده نوزدهم یک‌شم کل واردات کالاهای تولیدشده با پنبه به هند را نخ انگلیسی تشکیل می‌داد. تجار و رباخواران انحصار ورود این نخ را در دست داشتند و آن را به قیمت گزاف به بافندگان هندی می‌فروختند. این در حالی است که در فاصله ۱۸۳۳–۱۸۱۱ م. در این بخش‌هایی از ایالت مدرس که هنوز قانون «سکونت دائمی» برقرار نشده بود، نظام «رعیت‌پروری» برقرار شد. براساس این نظام مالی، کشاورزان باید مالیات زمین را مستقیماً به دولت تحت اداره کمپانی هند شرقی پرداختند و در واقع این دولت با استناد به اصل مالکیت، از چراگاه‌ها و زمین‌های موت‌ها که از گذشته در اختیار روستاییان بود، مالیات دریافت می‌کرد.

پنجم، تغییرات به‌عمل‌آمده در تشکیلات حقوقی و مالی هند از سوی کمپانی به رهبری هستینگز و کورن‌والیس در فاصله سال‌های ۱۷۷۲ تا ۱۷۹۳ م. مسلمانان را از بسیاری از مناصب عالی که تا آن زمان تحت حکمرانی بایران در اختیار داشتند، محروم ساخت. این شهروندان هندی از اواخر دهه ۱۸۲۰ م. قربانی انگلیسی‌مآب کردن نهادهای کشورشان و جایگزین شدن گام به گام بریتانیایی‌ها به جای مسلمانان شدند؛ امری که به تدریج میان کارگزاران کمپانی هند شرقی و توده‌های مردم شبه‌قاره جدایی افکند.

ششم، خسارت‌های اولیه به اقتصاد هندوستان با عقیدت‌کار اقتصادی بین سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۷ م. همراه شد. بریتانیایی‌ها ضمن تحکیم انواع درآمدهای ناشی از ضرب مسکن، باج و خراج آغاز کردند و بزرگان و اعیان هندی از مالیات‌ها و انواع درآمدهای هندی از ضرب مسکن، باج و خراج و عواید بازار محروم شدند. با کاهش درآمدهای اشرف، هزینه‌های تجملی آنها نیز کاهش یافت و گروه‌های اجتماعی‌ای همچون نظامیان، کارمندان و پیشه‌وران کار خود را از دست دادند. در حالی که برخی از زمین‌داران و تجار غلبه گمان‌کار درآمد خوبی خود را در برابر هندوها حفظ کردند. نکته قابل توجه اینکه بریتانیایی‌ها پس از قیام سراسری ناموفق در سال ۱۸۵۷ م. به‌منظور مشروعیت‌بخشی مصاحره کل زمین‌های هند به نفع «امپراتور» ترجیح دادند به‌اصل فرمانروا» به‌عنوان یگانه مالک زمین استناد کنند. سوم، سیاست گمرک‌کی بریتانیا با تعیین تعرفه‌های

صادراتی ارزان، صادرات این کشور به هند را تشویق می‌کرد و در مقابل، به تعیین نرخ‌های سنگین از ورود کالاهای هندی به بریتانیا جلوگیری کرد و در نهایت هندوستان به بازار کالاهای انگلیسی و تأمین‌کننده منبع مواد خام ارزان برای صنایع بریتانیا تبدیل شد. مطابق این سیاست، گمرگ بریتانیا ورود نماییندگان عوامل کمپانی هند شرقی با اختیاراتی که قانون «سکونت دائمی» به آنها می‌داد، خودخواهانه انحصار بافندگان هندی را مسلمان را در هم شکستند و در حالی‌که این بافندگان به‌طور موروثی دستگاه‌های پارچه‌بافی در اختیار داشتند و از نظام سنتی تولید دفاع می‌کردند، به‌دلیل مهمی همچون رقابت ناعادلانه با تولیدکنندگان انگلیسی، عدم تمایل کمپانی به حمایت از صنعت بنیبه بنگال در برابر پیامدهای انقلاب صنعتی و سپس نبود نهادهای در تجربیات بریتانیایی‌ها در زمینه هرگونه‌ی‌های صنعتی کشورشان، هندوستان به سرزمینی برای تولید مواد اولیه و میدان ورود کالاهای تولیدی از قیمت‌های غربی مبدل شد.

چهارم، وضعیت کشاورزی، پیشه‌وری و تجارت در جنوب هند تا حدودی با بنگال متفاوت بود. این منطقه آسیب‌های ویرانگری از جنگ‌های بایران با گروه‌های قومی غیرمسلمان و بریتانیا متحمل شده بود. سطح زمین‌های زیر کشت مخصوصاً زمین‌های اختصاص‌یافته به کشاورزی صنعتی کاهش یافته و شبکه‌های آبراری در حال تجزیه بود. در طول سه دهه نخست سده نوزدهم، تجربیات جدیدی واسطه فروش کالاهای بریتانیایی در بازارهای محلی هند شدند. آنان تریاک را از مالوه به چین و پنبه را به بریتانیا صادر می‌کردند و در کارگاه‌های خود، کشتی می‌ساختند. در این میان، دلالان و کارگزاران منطقه بمبئی سرمایه‌های هنگفتی اندوختند. در کتاب «تاریخ تحلیلی هند» اثر «سول» درباره قانون «سکونت دائمی» و پیامدهای آن برای هندی‌ها، از جمله مردم جنوب هند آمده است که این قانون موجب شد تا زمین‌داران سابق که به‌صورت موروثی به بلبریان مالیات می‌دادند، به اربابان مالک تبدیل شدند. بنابراین زمین‌داران مالکیت نامحودمی به‌سبک‌نظام سرمایه‌داری در مناطقی کسب کردند که پیش‌تر از آن مناطق فقط مالیات می‌گرفتند. این مالکان جدید در ضمن از حق خلع‌بدگسائی برخوردار بودند که اکنون مستناجر یا رعیت آنها شده بودند و حق انتقال زمین به وراث خود را نیز یافتند.

همزمان با گجرات، در ایالت جنوبی مدرس نیز از ۱۸۱۵ تا ۱۸۴۴ م. به‌سبب قانون «سکونت دائمی» در آمد ناخالص بر بافنده هندی ۷۵درصد کاهش یافت. به موازات این کاهش درآمد، از دهه ۱۸۲۰ م. صدور نخ صنعتی بریتانیا به شبه‌قاره آغاز شد و در میانه

History-economy@den.ir

دیوانی عربی و طویل به‌وجود آورد. پیامدهای ناگوار این دگرگونی در جامعه و ساختار اقتصاد هند، عبارت بودند از تجاری‌سازی ناموفق کشاورزی از طریق مسلمان‌زی اخذ مالیات‌ها و ثبت مالکیت زمین و به افول‌کنشند صنایع‌دستی در روستاهای هندوستان.

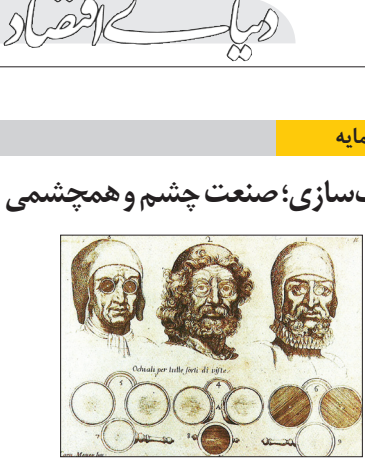
در طول ۹۰هه آینده، جنبش‌های هنداز سلطه بریتانیا همچنان با قدرت عمل می‌کرد، با این حال، نیروهای واپس‌گرا از هر گونه تلاش جدی به‌منظور صنعتی شدن هند جلوگیری می‌کردند. در این دوره، هند بریتانیا «بهشت زمین‌داران» بود. در سایه استعمار، شمار زمین‌داران هندی رشد سرطانی داشت و تکاپوی آنان در نظام اقتصادی هند موجب استثمار راحت‌تر مازاد دست‌رنج دهقانان از جانب زمین‌داران و رباخواران شد. از سوی دیگر، طبقه اربابان روستایی، نظام «کاست» و اربای تأمین منافعشان حفظ می‌کرد. بنابراین حتی احداث خطوط راه‌آهن و شبکه آب‌رسانی در شبه‌قاره از جانب بریتانیا و فراهم شدن بسترهای توسعه کشاورزی و تجارتی و رشد صنعتی، اراده‌ای برای به‌کارگیری مازاد در آمد روستاییان هندی در مسیر رشد صنعتی هند وجود نداشت.

با‌رغم ریان‌های جبران‌ناپذیر و ظلم آشکاری که به‌سبب قانون «سکونت دائمی» و قوانین استعماری مشابه بر مردم هندوستان تحمیل شد، بعضی نکات مثبت را نیز برای فعالیت‌های کمپانی هند شرقی در شبه‌قاره می‌توان برشمرد:

یکم، شماری از مسلمانان تا اواخر سده هجدهم به خدمت در کمپانی علاقه زیادی نشان می‌دادند. حتی برخی از آنها با حجامت‌های بریتانیایی‌ها خود به تالیف چندین اثر تاریخی دست زدند و از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۰۴ م. با تشویق جان گیل کریست از کالج ویلیام در کلکته اداره می‌شد، شماری از این آثار برجسته منتشر شدند. پژوهشگران هندی نیز در سراسر شمال هند برای به‌دست آوردن مناصب مختلف به‌مسوولان این کالج بریتانیایی مراجعه می‌کردند.

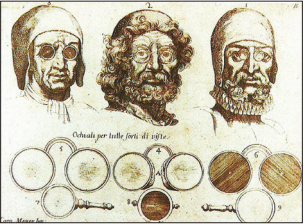
دوم، مسلمانان ایالت بنگال و مدرس به‌ویژه در شهر بمبئی با نفوذ و ثروتمند و اغلب از نوادگان و فرزندان تجار عرب بودند. خودجبه‌ها و برهه‌ها که در طول سده‌های گذشته ضمن حفظ همبستگی، نبض تجارت و اقتصاد گجرات و بمبئی را در دست داشتند، در رأس این تجار عرب نیز، همچنان تشکیلات مستقل مسلمانان بنگال و مدرس را با هدف بهبود شرایط جامع خود حفظ کرده بودند. این گروه از تجار درعین اینکه بخشی از مالیات‌های واجب دینی (مانند خمس و زکات) را در راه بهبود و تعالی مسلمانان این مناطق مصرف می‌کردند، زبان انگلیسی را فقط به‌منظور افزایش منافع تجاری خود آموختند. در حالی‌که نخچیکان مسلمان در ایالات شمال غربی و دیگر مناطق تحت سلطه کمپانی هند شرقی در شبه‌قاره تا سال‌ها بعد نسبت به انگیزه‌های مقامات بریتانیایی در گسترش زبان انگلیسی تردید داشتند. برگرفته از مقاله‌ای به قلم حسام‌الدین حاجت‌زاده، دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی

روزنامه صبح ایران



نمایه

عینک‌سازی؛ صنعت چشم و هم‌چشمی



عینک‌سازی، داستان مفصل و دور و درازی دارد که تحول بزرگی در زندگی بشر ایجاد کرده است. نخستین بار رومیان بودند که به قابلیت شیشه در بهبود بینایی در هنگام خواندن پی بردند. آنها با شیشه‌هایی بزرگ‌نما دایره‌هایی کوچک می‌ساختند و برای دید بهتر، از آن استفاده می‌کردند. گاهی اوقات نیز این فریم‌ها از شاخ حیوانات درست می‌شد. فریم‌ها با روی بینی قرار می‌گرفتند یا با وسیله‌ای از پشت سر بسته می‌شدند. آثار هنری موجود بهترین اثبات بر تاریخچه عینک و وجود چنین عینک‌هایی هستند، نقاشی‌های باقی‌مانده از دوره رنسانس، دانشمندانی را نشان می‌دهد که عینک‌های اولیه بر چشم دارند و این عینک‌ها با روی بینی آنها قرار گرفته یا از پشت سرشان بسته شده است. عینک‌های لنزهای عینک را با ضخامت‌های مختلف و براساس یک تست بینایی اولیه می‌ساختند. با شهرت یافتن این عینک‌ها ایتالیایی‌ها آنها را در سراسر اروپا ترویج دادند که مشتریان آن عمدتاً ثروتمندان بودند. از آنجا که تحصیلات در دوره رنسانس یک ویژگی ارزشمند در حساب می‌آمد، عینک کم‌کم به سمبل هوش و موفقیت بدل شد. با مطالعه تاریخچه عینک طبی می‌توان دریافت که این تکنولوژی برای چند قرن ثابت و بدون تغییر مانده است، چراکه اولین نمونه از ساخت عینک در معنای امروزی آن مربوط به قرن ۱۷م است. مشهورترین عینک مدرن آن زمان عینک‌هایی تحت عنوان «قاب مار تینی» بود که توسط پنجامین مار تین ابداع شده بود. او ابتدا لنزها را به دونیم تقسیم کرده و سپس آنها را در یک فریم قرار می‌داد. پنجامین فرانکلین تطبیق پذیری عینک را با اختراع «لنزهای دوکانونی» اضافه کرد. این عینک برای افرادی که هم دوربین و هم نزدیک‌بین بودند این امکان را فراهم می‌کرد که بدون تعویض عینک و تنها با استفاده از یک عینک بینایی خود را بهبود بخشند.

او برای اولین بار این کار را با تقسیم این دو لنز از وسط و قرار دادنشان در یک فریم یکپارچه داد. سبک دیگری که در آن دوره اهمیت داشت «عینک‌ها قیچی شکل» بودند. این عینک‌ها در واقع در جیب و یا همراه خود نگهداری می‌کردند و در صورت نیاز به دیدن منظره یا شیء خاص یا هنگام مطالعه آن را بیرون می‌آوردند. به دنبال انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، فرآیند عینک‌سازی نیز متحول شد. در سال ۱۸۰۱ پزشکی به نام توماس بانگ، علت استیگماتیسم را کشف کرد.

عینک‌های مخصوص استیگمات نیز در همان دوران برای اولین بار ساخته شدند و رقابت مبتنی بر کیفیت برتر در میان تولیدکنندگان به‌وجود آمد. بنا به تحقیق یونسده کتاب «بینایی و بینایی‌سنجی در ایران دوره قاجار» حرفه عینک‌سازی آن هم به شکل امروزی‌اش به دنبال سفر جمعی از ایرانیان در دوره مشاهد شاه قاجار برای تحصیل علوم مختلف به اروپا بی‌شکل گرفت. تا آن زمان هیچ‌یک از ایرانیان به‌طور عمده‌ی‌تخصصی با بینایی‌سنجی را به‌عنوان رشته تحصیلی خود انتخاب نکرده بودند؛ اما از آنجا که دوربین و تلسکوپ و عدسی از جمله علاقه‌مندی‌های برخی از این دانشجویان به شمار می‌آمد و در رشته‌های مرتبط با این ابزار تحصیل یا تحقیق می‌کردند، طبعاً دانش عینک‌سازی و بینایی‌سنجی را هم به ایران آوردند. البته درست مثل بقیه مناطق دنیا، گسترش صنعت چاپ هم در ایجاد احساس نیاز مردم برای استفاده از عینک بی‌تأثیر نبوده است. نخستین لابراتوار مدرن عینک‌سازی در ایران را یک داروخانه‌دار به نام شرقی در نزدیکی بدلیه تهران قیام در راه داد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام

شرکت معدنی و صنعتی سپهر تجلی ایرانیان (سهامی خاص)

به شماره ثبت ۵۵۵۷۷۵ و شناسه ملی ۱۴۰۱۰۴۶۵۱۱

سال مالی منتهی به ۱۴۰۲/۱۲/۲۹
۴- تصمیم گیری در خصوص تقسیم سود سهام.
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی های شرکت.
۶- تعیین دانش اعضای هیأت مدیره برای عملکرد دوره مالی ۱۴۰۱.
۷- تعیین حق حضور در جلسات اعضای غیر موظف هیأت مدیره برای سال مالی ۱۴۰۲.
۸- تعیین حق الزحمه بازرسی قانونی و حسابرس مستقل برای سال مالی ۱۴۰۲.
۹- سایر مواردی که تصمیم گیری راجع به آن در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می باشد.

هیأت مدیره شرکت معدنی و صنعتی سپهر تجلی ایرانیان

نوبت اول

| شرکت لوله سازی اهواز (سهامی عام) | | | | | |
|--|--|-------------|--|----------------|--|
| ردیف | نام و ستاره دستگاه | کشور سازنده | نام و ستاره دستگاه به لاتین | تعداد (مجموعه) | |
| ۱ | لیزر تراکز از شرکت Mobil-Mark | آلمان | Universal Laser Marker (Mobil-Mark) | ۴ | |
| ۲ | یونیت تمیزکاری، خشککن و تست فشار از شرکت Rönning AB | سوئد | Cleaning, Drying & Pressure Test Unit (Rönning AB) | ۱ | |
| ۳ | دستگاه‌های اِره برش لوله از شرکت Kasto Tec F4 | آلمان | Three sets of Cutter (Kasto tec F4) | ۳ | |
| ۴ | اتفاک رنگ از شرکت Pink Lackier And Trocken Kabinen FL2 | آلمان | Spray Booth (Pink Lackier And Trocken Kabinen FL2) | ۱ | |
| ۵ | دستگاه زروفریز از شرکت Rasoma | آلمان | Threading Machine (Rasoma EBZ400) | ۳ | |
| ۶ | دستگاه آلتریزودن (صنعتی حرارتی) از شرکت Fire & Glass | ایتالیا | Annealing Machine (Fire & Glass) | ۱ | |

ذیل:

را به صورت یکجا و با تفکیکی از طریق مزایده عمومی به خریدار و یا خریداران واجد شرایط بفروش برساند. لذا کلیه علاقمندان به خرید اقالم فوق‌الذکر می‌توانند در تاریخ حد آگهی به روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۲۰/۲۰ همه روز، به روزهای پنجشنبه، جمعه و تعطیلات رسمی از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ ظهر جهت رؤیت اقالم مذکور و خرید اسناد مزایده به شرکت لوله‌سازی اهواز، ناحیه صنعتی کارون، میدان شهدای لوله‌سازی اهواز، ساختمان مرکزی، طبقه سوم، امور قراردادها مراجعه نمایند.

- بازدید حضوری شرکت کنندگان در مزایده از تجهیزات مذکور فوق الزامی می‌باشد.

- کلیه اقالم این مزایده به صورت نو و اکینند و کاملاً وارداتی می‌باشند که نام کشور و شرکت سازنده هر کدام از آن‌ها در جدول مشخصات دستگاه درج گردیده است.

- سرمایه‌داری در مزایده به میزان ۲۲٪ مبلغ کل پیشنهادی شرکت کنندگان در مزایده و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین‌شده بانکی در وجه شرکت لوله‌سازی اهواز می‌باشد.

- شرایط پرداخت وجه ماشین‌آلات به‌موت ۲۰٪ نقد و مابقی طی اسناد ۳ ماهه با دریافت چک و ضمانت‌نامه بانکی امکان‌پذیر می‌باشد.

- پرداخت عوارض شهرداری اهواز و مالیات بر ارزش‌افزوده به‌مهد برنده یا برندگان مزایده می‌باشد.

- هزینه درج آگهی‌های این مزایده به‌مهد برنده یا برندگان آن می‌باشد.

- لازم است نمایندگان اشخاص حقیقی و یا حقوقی جهت شرکت در این مزایده اصل وکالت‌نامه ثبت شده در دفاتر اسناد رسمی کشور و دارای اعتبار و اختیارات لازم از موکل خود ارائه نمایند.

- قانون حاکم بر این مزایده و فروش اقالم مزایده به برنده یا برندگان آن قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

- شرکت لوله‌سازی اهواز در قی قبول هر یک با عینک پیشنهادی واسله بدون آن‌که محتاج به ذکر دلیل باشد مختار خواهد بود.

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت زیر مراجعه فرمائید.

http://www.apm-ir.com/ تلفن: ۰۲۱-۳۲۲۷۰۰۳۱-۶۱